

متن وصیت نامه سید محمد رضا سعادتى

متن وصیت نامه سید محمد رضا سعادتى

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

متن وصیت نامه اینجانب سید محمد رضا سعادتى به مادر مجاهد ، مادر رضائى هاى شهيد

بسم الله الرحمن الرحيم

رب ادخلنى مدخل صدق واخرجنى مخرج صدق واجعل لى من لدنك سلطانا نصيراً

مادر والای مجاهد! فرزند مجاهد تو در آخرین لحظات حیاتش حرفهای درونی اش را از طریق تومی خواهد به خواهران و برادران مجاهدش برساند ، آرزوی منم که با این عمل در پیشگاه خدا و خلق سرافکنده نیاشم .

روی سخن من به سوی خواهران و برادران مجاهدیست که با آرمانهای والای توحیدی آرزوهای پرشکوهی را دارند ، بخصوص روی سخن من با کسانی است که اکنون مسئولیت رهبری سازمان را بر دوش می کشند و در مرکزیت آن نشستند .

برادران ، من در شرایطی به سوی مرگ گام برمی دارم که نتوانستم مواضع جدید سازمان را درک کنم ونسبت به آن افناع نشدم ، من شاید از پیش چنین خطری را احساس کرده بودم ولی اکنون در این آخرین لحظات خطر را بسیار جدی و ملموس می بینم . من به هیچ وجه نتوانستم خودم را قانع کنم که چنین خطری را ناگفته گذارم و از این نظر خود را مسئول احساس می کنم . برادران من هم خودم را در اتخاذ مواضع جدید مسئول می دانم هر چند که در زندان وبه دور از تمامی بحثها و تصمیم گیریها بودم لیکن من به عنوان یک عضوی که قدرت درک و تشخیص سیاسی - استراتژیک داشت و می توانست حداقل اظهار نظر کند ، در رابطه با سازمان حضور و وجود داشتم .

برادران ما با مواضع جدید مرزهای سیاسی - استراتژیک خودمان را با تغییرات بزرگی و خرد بزرگی مرفه از یک طرف و مواضع اپورتونیسیم چپ از طرف دیگر کاملاً مخدوش کرده ایم همان مرزهایی که ضامن حفظ وبقای سازمانی در ابعاد توحیدی اش بود . حتماً می گویند که من در زندان بودم و از کم و کیف مسائل جامعه اطلاعی ندارم . این درست است ولی قبول کنید که مسائل جامعه آن قدر پوشیده نیست و من هم آن قدر بیگانه نبودم . برادران من بارها و بارها در رابطه با مواضع جدید سازمان گریستم وهم اینک هم در وضع شدید ترین تاثرات عاطفی این مطالب رامی نویسم .

برادران ما چه جبهه های را گشوده ایم و قدم در چه صحنه های گذاشته ایم ؟ چه شد که آن همه تحمل و شکیبایی انقلابی خود را از دست دادیم ، همان شکیبایی که به ما آن ویژگی خاص توحیدی را در این مرحله می داد ، برادران ما در دامی که امپریالیست ها برایمان چیده بودند گرفتار شدیم ، ما گام در صحنه های گذاشته ایم که در آن صحنه تقابل هیچ کدام از طرفین دعوا از آن پیروز بیرون نخواهند آمد بلکه این امپریالیست ها و مزدوران داخلی آنها هستند که کرس و وار بر بالای صحنه پرواز می کنند و انتظار روزی را می کشند تا فرود آیند و با به راننداختن حمام خون (از نوع اندونزی) دیکتاتوری وحشتناکی را حاکم گردانند و هزاران نفر از طرفین را به جوخه اعدام بیاورند .

برادران ما به سهم خود در گشودن این صحنه که زمینه های روانی تحقق چنین کودتایی را فراهم می کند مستولیم ، شاید مطرح کنید که این ما نبودیم که این صحنه را گشودیم بلکه بر ما تحمیل گشت ، ولی برادران ما هم به عنوان یک طرف این دعوا می توانیم و می توانستیم از زیر بار این تحمیل خارج شویم کما این که تاکنون چنین بود .

برادران عزیز، گاه لازم است که حتی از حقوق اساسی خود در رابطه با منافع تمامی خلق صرف نظر نمود، علی (ع) شیرمیدان جنگ از حق خود ۲۵ سال صرف نظر نمود و شمشیرتکشد با توجه به این که می دانست که اگر بیرون می آمد و فریاد حق طلبانه سر می داد صدها و هزاران جوان سلحشور و جنگجوی عرب به دور او حلقه می زدند.

برادران، حتما عنوان می کنید که از درون سیستم حاکم بالاخره امثال ساداتها درآینده بیرون خواهند آمد، ولی چه دلیلی دارد که امروز ما در مقابل ناصر موضع گیری کنیم آیا وظیفه انقلابی حکم نمی کند که ناصر را تقویت نمود؟ برادران ما دفاع از لیبرال ها را در عمل مطلق کردیم و بالاخره در نهایت در این دام افتادیم.

برادران من هرچه که این جبهه و قطب بندی را جستجو کردم برای آن عمق طبقاتی نیافتم برای آن نتوانستم مرز بین خلق و امپریالیسم را ترسیم کنم، برادران درویش، درکامبوج، درالجزایر، درکوبا و... و درنیکاراگوئه نیروهای انقلابی با اتکاء به تمامی خلق در یک طرف قرار داشتند و امپریالیست ها، سرمایه داران وابسته، فئودالیسم و اشراف و مزدوران داخلی در طرف دیگر واقع شده بودند، ولی برادران ما در این صحنه چه قطب بندی را در روبروی خود داریم؟ و با چه منطقی خود را راضی کنیم. من هرچه فکر کردم نتوانستم خود را راضی کنم که عمق این صحنه نبرد بین خلق و امپریالیسم را نشان می دهد، من در عمق صحنه دست های پلید و آتش افروز جهان خواران و مزدوران داخلی آن هارامی بینم که از آغاز پیروزی انقلاب کبیر ۲۲ بهمن سنی در رودرو قرار دادن نیروها به ویژه سازمان مجاهدین با حاکمیت بود.

برادران عزیزم، من شمارا به فکر و اندیشه کامل توصیه می کنم، من هیچ آرزو ندارم که مرگ عاملی جهت رشدخونت ها گردد بلکه در این آرزویم که حال که حیانت که در ایجاد فضائی صلح آمیز و محبت گونه نقش نداشته است مرگ بتواند روح وحدت و صلح را در جامعه گسترش دهد یعنی همان روحی که دشمنان ما یعنی امپریالیست ها سخت از آن وحشت دارند.

برادران ما به حساب کدام نیروی اجتماعی یا بدین صحنه گذاشته ایم، مطمئن باشید که کارگران و دهقانان به هیچ وجه از هیچ کدام از طرفین دعوا حمایت فعال مادی و معنوی نخواهند کرد و اساساً از صحنه سیاسی جامعه دور شده و موضع منفعل خواهند گرفت همان چیزی که لاشخورها در انتظار آنند.

برادران، شما از دیکتاتوری و خفقان وحشت دارید، کدام دیکتاتوری؟ برادران دیکتاتوری یا می باید بر بنیادهای فئودالی استوار باشد که در ایران چنین بنیادهائی وجود ندارد و یا براقصا کمرادوری که این هم موجودیتی در سیستم حاکم ندارد، حتما دیکتاتوری از نوع سرمایه داری دولتی مانند مصر و عراق... را نام می برید، برادران ما می توانیم در کنار سرمایه داری دولتی و علیه امپریالیست ها باشیم، گو این که در این مسئله که نظام اقتصادی حاکم به سوی سرمایه داری دولتی می رود هنوز حرف است، برادران فراموش نشود که ایران همواره در یکصدساله اخیر کانون تحولات انقلابی در منطقه خاورمیانه بوده، ایران مهد تشیع سرخ است و از یک فرهنگ انقلابی قوی برخوردار است. از طرف دیگر برادران شرایط و اوضاع و احوال بین المللی اجازه شکل گیری چنان استبدادی را که عمدتاً بورژوازی آن را تبلیغ می کند و ترس و وحشت از آن را دامن می زند، نخواهد داد.

من فکری کنم که ما هنوز اسیر در چنگ مسائلی هستیم که در زندان با آن روبرو بودیم و از سر گذارندیم. ما به طور خود به خودی به رشد خصومت ها و کینه های شکل گرفته در داخل زندان کمک کردیم و در نهایت حتی تا مرز یک قطب بندی پیش بردیم، در صورتی که شرایط کنونی یعنی شرایط بعد از انقلاب بنیاداً با شرایط زندان تفاوت داشت.

برادران، بورژوازی از یک طرف و اپورتونیسیم چپ از طرف دیگر چنان جو تبلیغاتی رافراهم کردند که ما را به دنبال خودشان کشاندند به طوری که ما مجبور شدیم که از خود در مقابل اپورتونیسیم چپ دفاع کنیم که "نایی گیر" نیستیم و "انقلابی" هستیم. ما موضع قاطعی در مقابل اپورتونیسیم چپ نگرفتیم. ما در مقابل ماجراجوئی های آن ها پاسخ قاطع ندادیم، برادران من اکنون فکری کنم که خط اصولی و صحیح دفاع و تقویت مواضع ضد امپریالیستی رژیم حاکم است و مقابله و تضعیف آن در این مواضع اپورتونیسیم چپ است. ما از ابتدا چنین اصولی را تبلیغ می کردیم و نیروها را دعوت می کردیم که دست از چپ روی و ماجراجوئی بردارند و مواضع ضد امپریالیستی رژیم حاکم را تقویت کنند و حتی در گنبد توصیه می کردیم که تمامی دفاتر خود را تعطیل کنند ولی خودمان به طور خود به خودی تحت تاثیر جو فشار تبلیغاتی حاصل از بورژوازی و خرده بورژوازی رفه از یک طرف و اپورتونیسیم چپ از طرف دیگر، این اصول را نادیده گرفتیم، برادران خصائل ضد امپریالیستی را کهما از برای رژیم ترسیم می کردیم از آن جناح لیبرال ها نبود، چرا که خود بهترینی دانستیم که لیبرال ها هیچ توان درک امپریالیسم و خطر آن را ندادند، این خصائل را ما در جناح دیگر جستجو می کردیم. برادران خیلی صریح بگویم من این خصائل را هنوز مشاهده می کنم و آن را به شدت قابل تقویت می بینم.

برادران عزیزم، ما احتیاج به یک تجدید نظر اساسی در خط مشی مان داریم. ما با نیروئی که در سطح جامعه در اختیار داریم می توانیم با چرخشی اصولی و تاریخی فضای تیره و دشمن شادکن میهنان را درگون کنیم و آن را به محیطی سرشار از تلاش، سازندگی و محبت نمانیم. برادران تاریخ در مورد ما قضاوت خواهد کرد. مبادا که فردای تاریخ، ما سهمی از مسئولیت شکست را بردوش بگیریم.

عزیزان، ما یکبار دچار غرور سازمانی شده ایم و نتیجه تلخ آن را نیز چشیده ایم مبادا که دوباره ما دچار همان غرور سازمانی شده باشیم، من فکری کنم که این غرور فعلاً وجود دارد، برادران فکر کنیم، به سرنوشت خلق، به سرنوشت انقلاب و به سرنوشت مکتبمان، اسلام، مبادا که این غرور ما را به دام خود کشانده است.

برادران من، از قبول شکست و پذیرش خطا و اشتباه نباید هراسید. برادران به جای این که به منافع کوتاه مدت سیاسی اندیشید باید تاریخی اندیشید و با بهترینی که باید تفکری توحیدی داشت. هیچ مهم نیست که ما در حرکت های سیاسی مان شکست و عقب نشینی را بپذیریم، در مقابل توده ها غرور هیچ معنی و مفهومی ندارد. باید خلوص داشت. برادران من فکری کنم که ما فریب این حمایت های صوری و لفظی فشری از جامعه را خورده ایم، حمایتی که قبل از این که عمق انقلابی و توحیدی داشته باشد، عکس العمل عاطفی ناشی از گرایشات غیر انقلابی و طبقاتی فشر حمایت کننده است. برادران مرا می بخشید که چنین بی پروا می گویم. شاید بگوئید که "سید" بالاخره با این وصیتش به ما ضربه زد. ممکن است که این وصیت باعث شود تا از نظر سیاسی شما حداقل مورد سؤال واقع شوید ولی من با ایمان و اعتقاد به حقانیت جهان بینی توحیدی و پیروزی نهائی آن حساب تمامی این مسائل را هم کرده ام و از نظر من هیچ مهم نیست که در ظاهر این وصیت نامه به سازمان ضربه سیاسی بزند. ولی من این ضربه را هشدار دهنده می دانم و آرزو دارم که برادران عزیزم را به ویژه برادرانی که در مرکزیت سازمان قرار گرفته اند به فکروادارد.

برادران من می توانستم قبل از صدور حکم اعدام با عنوان کردن نقطه نظراتم به طور رسمی خود را از خطر مرگ برهانم ولی من مرگ را انتخاب کردم تا مبادا فکرم شود که این نقطه نظرات دارای تمایلات شرکت آلود ترس از مرگ است. من مرگ را با اشتیاق پذیرفتم و شاید چند ساعتی به آن نمانده است که من خودم را شهید در مسیر توطئه های امپریالیست ها می دانم. من هیچ فردی را در این مورد مسئول نمی دانم و انتقام خون من جز از جهان خواران و مزدوران داخلی آن ها پس گرفتنی نیست. باز در اینجا تکرار می کنم به هیچ وجه آرزو ندارم که مرگ من عللی در جهت رشد و گسترش خونت ها گردد بلکه آرزوی قلبی من این است که این مرگ دریچه ها را به سوی وحدت و الفت بگشاید.

برادران عزیزم، دریایان این وصیت مجبورم نظرم را خیلی صریح و روشن در مورد امام خمینی مطرح کنم. برادران امام خمینی در شرایط کنونی تاریخ میهن عزیزمان مظهر خشم توده های محروم ایران و حتی منطقه علیه غارتگری ها و جنایات جهان خواران است، برادران ما چرا این خشم را تقویت نکنیم، و چهره خندان امام خمینی را برای خود و برای توده ها طلب کنیم. برادران امپریالیست ها و مزدوران داخلی آن ها به شدت از این خشم انقلابی وحشت دارند. بورژوازی در داخل و سایر نیروهائی که برای امپریالیست ها سفره پهن می کنند تلاش می کنند تا این مظهر را از بین ببرند و یا ضعیف کنند، برادران ما نباید بمانند لیبرال ها برخورد کنیم. فرق است بین یک سازمان انقلابی و مردمی با نیروهای لیبرال. ما نباید دچار همان غرور و عواطفی شویم که تمایلات لیبرالی در داخل جامعه تبلیغ می کند.

برادران مجاهد، من در این آخرین لحظات شما را به فکر و صبر توصیه می کنم، فکری عمیق، تاریخی و توحیدی، صبری عمیق، تاریخی و توحیدی.

سلام علیکم بما صبرتم فنعقبی الدار

بادرود به تمامی شهدای به خون خفته خلق و بادرود به خلق قهرمانان زنده باد اسلام، مرگ بر امپریالیست ها

زندان اوین - ساعت ۶/۱۰ بعد از ظهر یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۶۵

سید محمد رضا سعادت